

یاد

عصمت پورانوری؛ شهید شاخص سال ۱۳۹۸

نوعروس پر پر شده دز فولی



عصمت پورانوری از بانوان شهید دزفول سال ۱۳۹۸در کنار شهید جبهه مقاومت شهید جهاد عماد مغنیه، حجت‌الاسلام شهید شیخ‌فضل‌الله محلاتی، مهندس شهید امیرمرداد، شهید سید نورحداموسوی، سرلشکر شهید حسین شهرام‌فر و جهادگر شهیداسدالله هاشمی به‌عنوان شهید شاخص سال بسیج مستضعفین انتخاب شد.شهید پورانوری، متولد۱۳۴۱در شهر دزفول بود و در تاریخ ۱۹ آذر سال ۱۳۶۰ در اثر بمباران هوایی یعنی‌ها درحالی‌که تنها ۲۶روز از ازدواجش گذشته بود به شهادت رسید. خواهرش فرخنده ماجرای شهادت او را اینگونه روایت کرده‌است: «ما برای زیارت قبور شهیدا به مزار شهیدان می‌رفتیم، دزفول ۲قبرستان دارد؛ یکی بهشت علی(ع) و یکی هم شهیدآباد است. بهشت علی(ع) نزدیک خانه عصمت بود. او به همراه مادر شوهر و جاری‌اش برای زیارت قبور شهدا به سمت بهشت علی(ع) حرکت می‌کنند.عصمت قبل از رفتن غسل شهادت می‌کند. آن روزها بمباران‌ها زیاد بود و خیلی‌ها غسل شهادت می‌کردند. نزدیک پل قدیمی عصمت به مردمی که برای زنده‌نگه‌داشتن یاد شهدای بستان راهپیمایی کرده بودند، ملحق می‌شود. همان موقع هواپیمای دشمن در آسمان دزفول به پرواز درمی‌آیند و بمب‌های خود را به روی مردمی می‌اندازند که به یاد شهدای بستان جمع شده بودند.اگر چه بمب‌داخل آب می‌افتد، اما ترکش‌هایش به مردم اصابت می‌کند. چند ترکش هم به پهلو جاری‌اش هم مر ضیه بلوایه شهید می‌شود و مادر شوهرش که شاهد شهادت عروس‌هایش بود به‌شدت مجروح و به بیمارستان منتقل می‌شود.» یک سال و دوماه بعد از شهادت عصمت پورانوری، برادرش علیرضا نیز درحالی‌که ۱۷سال داشت در عملیات والفجر مقدماتی به شهادت می‌رسد.

نقل قول

چرا دز فول

شهر نمونه مقاومت است

شلیک ۱۷۶ موشک ۷،۳ و ۹متری به شهر دزفول، خالی نشدن شهری که زیر آتش بمباران دشمن بود، بازسازی خانه‌های تخریب‌شده و اعزام نیرو و حمایت از جبهه‌ها را می‌توان از دلایل مهمی برشمرد که در ۴خرداد سال ۱۳۶۶به انتخاب این شهر به‌عنوان نماد مقاومت منجر شد. حضرت امام‌خمینی(ره) در تقدیر از مردم دزفول فرمودند: «شما دزفولی‌ها امتحان دادید و از این امتحان خوب بیرون آمدید. شما دین خود را به اسلام ادا کردید.» محمد رضا صفار پور، پژوهشگر در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: «انتخاب شهرها بر بنای چند مولفه بود که یکی از آنها میزان حضور مردم در شهرهایی بود که مورد تهدید دشمن قرار داشتند. دزفول از جمله شهرهایی بود که بدرغم اینکه بیشترین بمباران و موشکباران را داشت اما تنها شهر هیچ‌گاه تخلیه‌نشد بلکه نخستین شهری بود که هم‌زمان با جنگ کار بازسازی آن آغاز و رودتر از دیگر شهرهای جنگ‌زده به پایان رسید.»



یاد

چهارم خرداد و حماسه‌سازان گمنام

چند سالی است که با جای گرفتن عنوان روز مقاومت و یادپاری و روز دزفول در تقویم رسمی جمهوری اسلامی ایران، دیگر ۴خرداد حال و هوای دزفولی‌به‌خود گرفته‌است. حضور جوانان دزفولی در جبهه‌های نبرد علیه دشمنن یکی از مولفه‌های انتخاب این شهر به‌عنوان نماد مقاومت است. مردم با وجود اینکه شهرشان موردهدف قرار می‌گرفت اما با روحیه‌ای بالا در نمازجمعه شرکت می‌و برای دفاع از کشور جوانان خود را راهی جبهه می‌کردند. در طول جنگ تحمیلی، ۱۱هزار رزمنده از دزفول در جبهه حضور داشتند. آمار شهدای دزفول ۲۶۰۰نفر است که از این تعداد ۹۰۰نفر شهدای مردمی و ۱۷۰۰نفر شهدای رزمنده‌است. دزفول به نسبت جمعیتش، بیشترین درصد شهید را دارد به‌طوری‌که این آمار از شهدای ۶استان بیشتر است. ۱۴۵۲زاده و ۴هزارجانبا از دزفول نشان‌دهنده عزم جدی و شجاعت اینثار این مردم غیور در طول سال‌های است که دشمنی می‌آیند این شهر را مورد هدف قرار می‌داد. در طول ۸سال جنگ تحمیلی ۱۹هزار واحد مسکونی‌که تقریباً یک‌سوم ابنیه شهر دزفول بود ویران شد، اما در پایان جنگ، به سختی می‌شد خانه‌ای ویران را در شهر پیدا کرد؛ چرا که مردم در همان زمان بمباران، شروع به بازسازی شهرشان می‌کردند تا شهر پویا و زنده باشد و به شهری ویران تبدیل نشود.



ایتارومقاومت



عکس‌ها مرکز فرهنگی ووزیر دفاع دزفول

دزفول ماجراهای عجیب وناگفته بسیاری دارد

گفت‌وگو با امین قدمی، کارگردان مستند «دز هنوز از شهر من رد می‌شود»



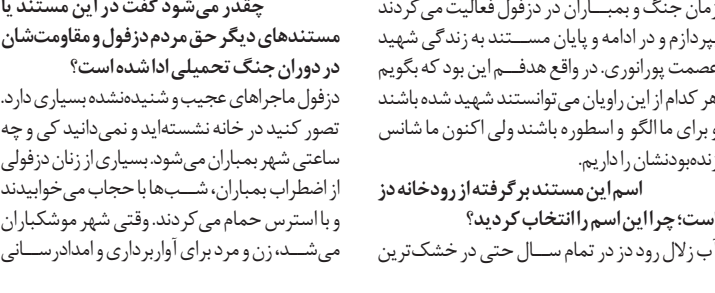
بررسی تاریخ دفاع مقدس نشان می‌دهد که زنان، نقش مهمی در تقویت روحیه خانواده‌ها و حمایت از مردان برای دفاع از شهر داشتند. مقاومت ستودنی مردمان شهر دزفول به‌ویژه زنان، سوزه‌امین قدمی، برای ساخت مستند «دز هنوز از شهر من رد می‌شود» شده‌است. این مستند کاری از خانه‌فیلم و نمایش مرکز آفرینش‌های فرهنگی هنری بسیج است که به کارگردانی قدمی تولید شده‌است. او به‌پهانه روایت زندگی شهیدعصمت پورانوری که شهید شاخص سال ۱۳۹۸بسیج بوده، سراغ ۲نفر از زنان ایثار گرفته‌وه در این مستند به‌فعالیت‌های زنان در زمان موشکباران دزفول پرداخته‌است. قدمی در گفت‌وگو با همشهری درباره مراحل و اهداف ساخت این مستند توضیح می‌دهد.

چه شد که برای ساخت مستند دزفول، به نقش زنان در موشکباران پرداختید؟
۱سال پیش سفارش ساخت مستندی درباره شهید عصمت پورانوری داشتم. شهید پورانوری یکی از زنان ایثارگر بود که در اوایل ازدواج‌شان در دزفول و درحالی‌که در مراسم تشییع جهم شهدا شرکت کرده بودند. دزفول ازجمله شهرهایی بود که بدرغم بود، در اثر بمباران پل قدیم دزفول به شهادت می‌رسد. قبل از این مستند، درباره دزفول کار پژوهشی انجام نداده بودم. وقتی برای تحقیق و پژوهش به دزفول رفتم، متوجه شدم که در این شهر اتفاقات عجیبی در طول بمباران‌ها افتاده و در دل این شهر قصه‌های بسیاری برای گفتن وجود دارد. قبلاً درباره دزفول شنیده بودم که شهرمقاومت است و مردم در زمان بمباران‌ها در شهر مانده‌اند و شهر را ترک نکرده‌اند. البته برخی شب‌ها که رادیو عراق اعلام می‌کرد دزفول را مورد هدف قرار می‌دهد، برخی از مردم شهر را ترک می‌کردند و به اطراف شهر می‌رفتند، اما روزها دوباره به خانه‌هایشان برمی‌گشتند. همیشه با شنیدن خط مقدم همه ما یاد جبهه، سربازان و فرماندهان جنگ می‌افتیم، اما وقتی در یک جنگ شرایط بحرانی پیش می‌آید، فرمانانشر زن‌ها هستند که شرایط را برای زندگی زیر بمباران ممکن می‌کنند. من در طول ساخت مستند، دیدم که زنان ایثارگر و گمنام بسیاری در دزفول وجود دارند. به همین دلیل تصمیم گرفتم که به ایثار بانوان به روایت ۲نفر از زنان که در زمان جنگ و بمباران در دزفول فعالیت می‌کردند بپردازم و در ادامه و پایان مستند به زندگی شهید عصمت پورانوری. در واقع هدفم این بود که بگویم هر کدام از این رویان می‌توانستند شهید شده باشند و برای ما الگو و اسطوره باشند ولی اکنون ما شانس زنده‌بودنشان را داریم.

اسم این مستند برگرفته از رودخانه دز است؛ چرا این اسم را انتخاب کردید؟

در طول جنگ تحمیلی، ۱۱هزار رزمنده از دزفول در جبهه حضور داشتند. آمار شهدای دزفول ۲۶۰۰نفر است که از این تعداد

۹۰۰نفر شهدای مردمی و ۱۷۰۰نفر شهدای رزمنده‌است. دزفول به نسبت جمعیتش، بیشترین درصد شهید را دارد به‌طوری‌که این آمار از شهدای ۶استان بیشتر است. ۱۴۵۲زاده و ۴هزارجانبا از دزفول نشان‌دهنده عزم جدی و شجاعت اینثار این مردم غیور در طول سال‌های است که دشمنی می‌آیند این شهر را مورد هدف قرار می‌داد. در طول ۸سال جنگ تحمیلی ۱۹هزار واحد مسکونی‌که تقریباً یک‌سوم ابنیه شهر دزفول بود ویران شد، اما در پایان جنگ، به سختی می‌شد خانه‌ای ویران را در شهر پیدا کرد؛ چرا که مردم در همان زمان بمباران، شروع به بازسازی شهرشان می‌کردند تا شهر پویا و زنده باشد و به شهری ویران تبدیل نشود.



کمک می‌کردند. می‌دانستند که ممکن است هر لحظه موشکی دیگر به آن محل اصابت کند وبارها هم این اتفاق افتاده بود. اما باز هم برای کمک همسایه و همشهری‌های خود می‌فکند. روزهای بسیاری بوده که عده‌ای در حال آواربرداری و عسده دیگر در حال غسل، تشییع و تدفین شهدا بوده‌اند. این بمباران‌ها قصه‌های زیادی دارد که تاکنون پرداخته نشده‌است. **دلیل کمتر پرداخته‌شدن به این قصه‌ها چیست؟**

اصلی‌ترین دلایل گسترده‌گی ایعاد ماجراست. اگر بخواهیم جنگ تحمیلی راباحاطه عظیمی مثل زلزله بیم مقایسه کنیم، می‌بینیم دلزله در یک نقطه و یک شب اتفاق می‌افتدولی جنگ‌هشت‌ساله از نظر مکانی و زمانی گسترده بوده واین موضوع باعث شده کسانی که می‌خواهند وقایع جنگ را ثبت و ضبط کنند، نتوانند به همه سوزه‌ها بپردازند. من هم در مستند دز هنوز از شهر من رد می‌شود، به بخشی از قصه‌ها پرداخته‌ام. نمی‌شود گفت راجع به دزفول کار نشده اما انطور که انتظار می‌رود هم درباره دزفول مستند و فیلم ساخته نشده. من به‌عنوان مستندساز وقتی درباره موضوعی تحقیق می‌کنم به سوزه‌های بسیاری برمی‌خورم اما ممکن پرداختن به همه سوزه‌ها را ندارم. متأسفانه با گذشت زمان بسیاری از افرادی که می‌توانند تاریخ جنگ را روایت کنند، به سالمندی رسیده و ما هم فرصت را از دست می‌دهیم. از طرفی، مستندساز گاهی ۲۰۰ساعت فیلم و صدا با جزئیات ضبط می‌کند، اما مجبوراست خلاصه‌ای از مستندات را در ۳۰دقیقه جمع کند. به‌نظرم بایدساز و کاری باشد تا مستندسازان در کنار

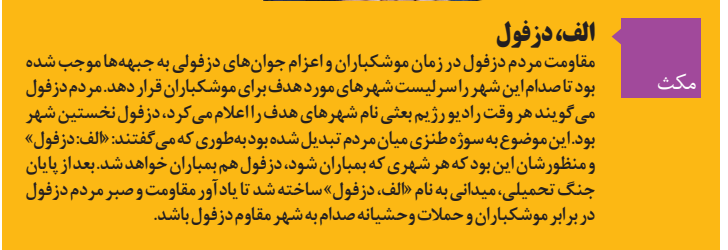
تولید فیلم بتوانند مطالب جمع‌آوری و ضبط‌شده در مستند را به‌صورت مکتوب در آورند. چون این صحبت‌ها تاریخ شفاهی به شمار می‌آیند و حفظ آنها بسیار ارزشمند است. اگر قراردادی تنظیم شود که کتاب کنسرخای از پژوهش‌ها و تولید این آثار تهیه و آرشیو شود بسیار ارزشمند است و به محققین برای ساخت مستندهای بعدی کمک می‌کند.

مردمی که در شهرهای درگیر با جنگ زندگی می‌کردند،خاطرات بسیاری دارند که هیچ‌جا ثبت و ضبط نمی‌شود. این خاطرات تا چه اندازه مبنای ساخت مستندها قرار می‌گیرد؟

مرکز حفظ آثار دفاع مقدس دزفول آثار ارزشمندی دارد که من بخشی از آنها را در مستند استفاده کردم و اگر کمک آنها نبود، ساخت این مستند اتفاق نمی‌افتاد. جلب‌استدبانی‌ده که در زمان جنگ برنامه‌های پخش زنده ضبط نمی‌شد. عده‌ای از مردم دزفول با نوار کاست صدای رادیو را ضبط می‌کردند.

بعد از جنگ، رادیو دزفول فراخوان داده و از مردم خواسته بود برای حفظ خاطرات این نوار‌ها را در اختیار رادیو قرار دهند و مردم هم همکاری کرده بودند و اکنون به‌عنوان اسناد مهم جنگ به شمار می‌آیند اما حفظ این نوارها به‌خصوص در هوای گرم دزفول، نیاز به شرایط خاصی دارد. مرکز حفظ و آثار دفاع مقدس دزفول در این زمینه جمع‌آوری خاطرات در قالب عکس، فیلم، نوار کاست و… تلاش بسیاری کرده اما نیاز به حمایت بیشتر

برای حفظ و نگهداری اسناد مجبوراست خلاصه‌ای از آرشیو آثار جمع‌آوری‌شده دارد و امیدوارم تا دیر نشده، حمایت‌های لازم برای حفظ این اسناد ارزشمند انجام‌دهد.



الف، دزفول

مقاومت مردم دزفول در زمان موشکباران و اعزام جوان‌های دزفولی به جبهه‌ها موجب شده بود تا صدام این شهر را سرلیست شهرهای مورد هدف برای موشکباران قرار دهد. مردم دزفول می‌گویند هر وقت رادیو زیم به‌نام شهرهای هدف اعلام می‌کرد، دزفول نخستین شهر بود. این موضوع به سوزه‌طنزی میان مردم تبدیل شده بود به‌طوری‌که می‌گفتند: «الف، دزفول» و منظورشان این بود که هر شهری که بمباران شود، دزفول هم بمباران خواهد شد. بعد از پایان جنگ تحمیلی، میدانی به نام «الف، دزفول» ساخته شد تا یادآور مقاومت و صبر مردم دزفول در برابر موشکباران و حملات وحشیانه‌صدام به شهر مقاوم دزفول باشد.



۱) بخشی از خنطه ۱۰۲تهج البلاغه
۲) آیه ۱۲سوره طه قرآن کریم ترجمه «تعین(همه علقای غیر مرا) از خود به دور کن که اکنون در وادی مقدس طوی(و مقام قرب ما) قدم نهاده.»

یادداشت

سردار سرتیپ علی فضلی؛ معاون عملیات ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

نقش عقیدتی و سیاسی روحانیان

در دفاع مقدس



در ۸سال دفاع مقدس آرام آرام ارکان یگان‌های ما تشکیل شده و هویت پیدا کردند که یکی از آن ارکان سازماندهی، تهییج، آموزش و معنویت رزمندگان و بصیرت دینی و سیاسی آنها بود. مسئولیت این مهم با عزیزان عقیدتی و سیاسی – که البته آن موقع بیشتر بخشی آموزش نظامی بود که رزمندگان خودشان را از نظر آمادگی‌های جسمانی، روحی و روانی با تمرینات و رزمایش‌ها برای نبرد مهیا می‌کردند. بخش دیگر آموزش عقیدتی بود که در همه ایام سال، قبل و بعد از هر عملیات به قوت انجام می‌شد. آموزش عقیدتی از چند منظر انجام می‌شد؛ اولاً دفاع مقدس همه چیزش اعتقادی بود. بچه‌ها برای خدا آمده بودند و جهاد برای خدا بود. میثاتی‌ای که امام(ره) در دفاع مقدس تبیین فرموده بودند، کمک می‌کرد به اینکه ما در جبهه توجه جدی و عمیق به مسائل معنوی را سرلوحه کارهایمان قرار بدهیم.

بخش اول آن کار آموزش بود به شکل کلاسیک که در هر گردان و گاهی در هر گروهان یک مربی عقیدتی داشتیم که در طول زمان آماده‌سازی، نقش آموزشی خودشان را به شکل کلاسیک تا حد زیادی ایفا می‌کردند.

بخش دوم، فضاسازی فرهنگی بود که آن هم نشأت گرفته از آموزش‌ها و مسائل عقیدتی و اعتقادی رزمنده‌ها بود؛ یعنی در مساجد، حسینیه‌ها و در چادرها و خیمه‌ها و اردوها و در محل‌هایی که ما به شکلی متمرکز داشتیم جلساتی برگزار می‌شد. همچنین علمای بزرگی همواره به اشکال مختلفی در جبهه و یگان‌ها حضور داشتند.

مثلاً ما در یگان‌های مختلفی خدمت کردیم از جمله لشکر ۰ اسیدالشهدای(ع)، ما همسوار ۱۱ امام جمعه در پشتیبانی لشکر داشتیم و یک امام جمعه هم امام جمعه تهران بود که خود آیت الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب بودند. غیر از جلسات دوره‌ای که در محضر آنها بودیم همواره یک امام جمعه بزرگوار را در لشکر یک خود بچه‌های عقیدتی و سیاسی و تبلیغات داشتیم.

برای طلبه‌ها، ملسا و روحانیان و مربی‌های عقیدتی و سیاسی نیاز به کلاس بود و بعضاً خود اینها سؤال داشتند و با رزمندگان از اینها سؤالاتی را می‌پرسیدند که اگر در توانشان نبود، اینها را در یک ساعت‌های خاصی از محضر امام بزرگوار جمعه که به‌طور دائمی هر هفته یک امام جمعه در لشکر حضور داشت و در واقع ارشد مربی‌های عقیدتی و سیاسی و روحانیان و طلاب عزیز ما بودند می‌پرسیدند. پس ما یک کلاس داریم، دوم در محل اجتماعات و نسوم، خود اینها هم برای خودشان جلسات و کلاس‌هایی را دارند که بتوانند با به‌روز بودن و پاسخ به سؤاا و رفع شبهات احتمالی که بچه‌ها دارند رسیدگی کنند.

نکته دیگر این بود که بچه‌های عقیدتی عین دیگر واحدا، همه عملیات همراه با رزمنده‌ها بودند؛ یعنی خودشان رزمنده بودند و هم با داشته‌هایشان کنار فرماندهان و رزمنده‌ها به کمک و یاری در خطوط مقدم؛ هم خودشان بهره می‌بردند و هم خودشان در رزمندگی و رزمجویی سهم و نقش داشتند.

همه مربیان عقیدتی و سیاسی در عملیات الزاماً شرکت می‌کردند. ما بعضی از اوقات نزدیک به ۶۰۰روحانی در لشکر داشتیم، در مواقعی هم کمتر و تعدادی مربی عقیدتی غیرروحانی هم داشتیم بین پاسدارها و بین بسیجی‌ها. فضای معطر و مقدس جبهه انسان‌ساز بود و کانون پرورش بود. این نقش فرهنگی و فضاسازی را غیر از بچه‌های عقیدتی و بچه‌های تبلیغات فرد دیگری خیلی نمی‌توانست عملیاتی کند.

همچنین مسئول عقیدتی و سیاسی لشکر هم در قرارگاه ما مشغول کمک به ما در ثبت وقایع و لحظه‌شمار دفاع مقدس بود که من امیدوارم آن اسناد به خوبی نگهداری شده باشد و از آنها بهره‌برداری شود. این اسناد، زنده‌ترین سند است. دو طرف، بین ما و فرماندهان‌مان صحبت‌هایی شده و همه اینها را ایضاًن لحظه‌شمار با ساعت یادداشت کرده‌اند.

پس برادران عقیدتی و سیاسی نقش مؤثر داشتند و خود اینها عامل بودند، اگر می‌گویند در جبهه عمدتاً نماز شب برپا بود، اینها بخشی از روحانیون بودند. کارکرد فرماندهی دسته و گروهان و گردان و اینها بودند و رزمنده‌ها می‌دیدند و از اینها الگو می‌گرفتند. لذا ما تنها چیزی که در جبهه مشکل نداشتیم، برای تهییج بچه‌ها و برای روحیه‌بخشی به بچه‌ها بود. خدا می‌داند که از ما به یک اشاره از همه رزمندگان به سر دویدن. امروز زبان من قاصر است از گفتن آنها.

امثال این اتفاقات فراوان هست و چیزی غیر از خودساختگی بچه‌ها و زحماتی که روحانیان عزیز و مربیان عقیدتی انجام می‌دادند. البته بچه‌های آموزش نظامی که مربی آموزش نظامی بودند هم یک جوری آموزش نظامی عقیدتی بودند؛ یعنی با آیات و روایات کار خودشان را شروع می‌کردند و آنها هم به نوعی کار نظامی‌شان اصل بود ولی آمیخته بود با کار عقیدتی. همین جاسلام و درود خدا را در روح تمام شهدای عزیزمان می‌فرستیم.

شهدای روحانی، شهدای مربیان آموزش عقیدتی، آموزش نظامی که هر دوی اینها و همه اینها حق بزرگی را بر گردن ما داشتند برای آماده‌سازی رزمنده‌ها. بی‌شک موفقیت‌های ما در عملیات‌ها همه در سایه توجهات بچه‌ها به معنویت و روحانیتی بود که در جبهه داشتند و بی‌تردید اگر کار اعتقادی و عقیدتی و فضای معنوی اینگونه نبود و زحمات این عزیزان، زحمات قابل ملاحظه‌ای نبود ممکن نبود که از ما به یک اشاره و از رزمندگان به سر دویدن باشد.

امیدوارم که خداوند حق همه شهدا و حق شهدای عزیز عقیدتی و روحانیتی را به گردن ما حلال بگرداند.

هم‌شهری